



سفرهای استانی پیگیری می‌شود

عبدالکریم حسین زاده، معاون رئیس جمهور در گفت‌وگو با مهر، در رابطه با برنامه سفرهای استانی رئیس جمهور گفت: «ارتباط با مردم قطع‌شدنی و حذف‌شدنی نیست؛ حتماً این سفرها وجود خواهد داشت. من شاهد بودم که در دولت برنامه‌ریزی‌های سفرها را انجام می‌دهند.» وی با بیان اینکه سفرهای استانی در دولت چهاردهم ادامه خواهد داشت، افزود: «ارتباط از نزدیک با مردم برقرار خواهد بود اما فکر می‌کنم تأکید دولت بر این است که از ریل برنامه‌ریزی خارج نشود. یعنی به‌رغم شکل‌گیری سفرها همچنان مبنای دولت برنامه توسعه ۵ ساله هفتم و بودجه سالیانه و سند آمایش که تهیه خواهد شد، است و سفرهای استانی این‌ها را مختل نخواهد کرد.» او ادامه داد: «به اعتقاد من رئیس جمهوری که شبیه‌ترین مسئول اجرایی به جامعه خود است حتماً ارتباط و صمیمیتش را با مردم تقویت خواهد کرد.»

ادامه از صفحه اول

بنابراین، فضیلت و مطلوبیت، نقطه تعادل و توازن است و این نقطه منطبق با عدل و عدالت است. «وفاق» که دکتر پزشکیان آن را به عنوان شعار دولت خود برگزیده است، به لحاظ روشی یعنی شناسایی و معرفی نقطه موزون و عادلانه در هر امر و متقاعد کردن دیگران به مطلوبیت و فضیلت آن و جلب همکاری و همراهی آنان در آن جهت است. بنابراین، به لحاظ روشی، وفاق شعار بسیار خوبی است اما به لحاظ عملی و اجرایی نباید آن را به میل به حد وسط و میانه در هر امری تقلیل داد. زیرا حد تعادل همیشه حد وسط و میانه نیست، همانطور که شناگری حد وسط مهارت در این حرفه و با ناآشنایی با آن به حساب نمی‌آید.

سیاست‌های موزون و عادلانه، امر ناشناخته‌ای در کشور ما نیستند، اما مشکل، حرکت عملی به سمت آنها بوده است. برخی محافل اصولاً با سیاست‌های متعادل و منصفانه میانه‌ای ندارند و آن را مغل منفعت شخصی و باندی خود می‌بینند. وفاق به معنای تسلیم شدن در برابر تعریف نادرست و منفعت نامشروع آنها نیست بلکه، متقاعد کردن آنان به پذیرش سیاست متوازن است. در عالم عمل، البته بسیاری اوقات، تیغ حقیقت و استدلال منطقی نمی‌تازد و سیاستمدار به اجبار و برای حفظ مصلحتی عمومی، چاره‌ای جز تن دادن به سطحی از منطق زور غلبه ناپذیر ندارد! این موضوع اما باید «موردی» و مشخص باشد و تبدیل به قاعده و رویه نشود و گرنه عدالت هرگز روی تحقق پیدا نمی‌کند.

به نظرم دکتر پزشکیان در تشکیل کابینه و انتخاب استانداران از موازین وفاق به معنی درست کلمه، چندان عدول نکرده است. انتخاب برخی استانداران از جناح رقیب، چنانچه آنها خود را متعهد و ملزم به رعایت سیاست‌های دولت کرده باشند، از قضا نوعی موفقیت در جهت به‌کارگیری شیوه‌وروش وفاق است، اما اگر مقام‌های منصوب چنین تعهدی را نپذیرفته باشند و بیخود ساز مخصوص خود را بنوازند، انتصاب آنها طبعاً گامی ضد وفاق است.

از این مسائل که بگذریم، دولت آقای پزشکیان در دو حوزه حجاب اجباری و رفع انسداد اینترنت، بازی را وانگذاشته است. بنابراین، احتمال موفقیت او در این دو زمینه وجود دارد. در زمینه ایجاد توازن در سیاست خارجی و رفع تحریم‌ها و بهبود شرایط اقتصادی کشور، آقای پزشکیان تا این لحظه با بدبختی بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شده است. دولت بدون آنکه خود، تمایلی داشته باشد با تشدید جنگ در منطقه و باز شدن پای ایران به آن روبه‌رو شده است. این وضعیت از یک طرف، به‌سود روابط خارجی کشور را با موانع بزرگی روبه‌رو کرده و از طرف دیگر افزایش مشکلات معیشتی مردم و بنگاه‌های تولیدی و اقتصادی را به دنبال داشته است.

از آنجا که داوری منصفانه نسبت به کارنامه اجرایی مدیران و سیاستمداران تابعی از نسبت بین امکانات و محدودیت‌های آنان است، واقعیت این است که دولت پزشکیان در همین ابتدای کار، علاوه بر محدودیت‌های داخلی با محدودیت‌های بی‌شمار خارجی هم روبه‌رو شده است. او در جایگاه رئیس جمهور که وظایف بسیاری بر عهده دارد اما ابزارهای اندکی در اختیار دارد، به تنهایی از پس بحران‌های پیش رو بر نخواهد آمد، اما جهت روند بحران‌ها و راه‌های متصور برای حل و کنترل آنها در سطح منطقه، می‌تواند به کمک او آید و یا کلاً دولتش را از حیز انتفاع ساقط کند.

گزارش
دولت

خانم سخنگو و مسیر وفای به عهد بررسی عملکرد فاطمه مهاجرانی در مقام سخنگویی دولت

ظهر هفتم شهریور، تقریباً یک ماه از برگزاری مراسم تنفیذ و آغاز به کار رسمی دولت چهاردهم، مسعود پزشکیان تکلیف یکی از حساس‌ترین سمت‌ها در هیئت دولت را روشن کرد و برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی، یک زن را به مقام سخنگویی قوه مجریه رساند تا در دولتی که نامش را «وفاق ملی» گذاشته بود، حرکتی جالب توجه انجام داده و با قرار دادن فاطمه مهاجرانی به‌عنوان یک زن در جایگاهی مهم که ذره‌بین‌های داخلی و خارجی زیادی روی آن قرار دارد، نشان دهد که سعی اش بر این است تا در تجربه ریاست جمهوری، متفاوت‌تر از پیشینیان خود عمل کند و بهای بیشتری را به زانیان دهد که در طی سال‌های پس از انقلاب، با آنها در عرصه‌های گوناگون از جمله مدیریت کلان چندان مهربان بر خورد نشده بود.

دهم شهریور، سه روز پس از اینکه حکم انتصاب به‌عنوان سخنگویی دولت فاطمه مهاجرانی صادر شد، او اقدام به انتشار ویدئویی کوتاه کرد و چند کلمه‌ای را خطاب با مردم حرف زد؛ ویدئویی که آن را می‌توان در دو بخش تقسیم کرد که بخش ابتدایی مقدمه و بخش بعدی شامل نکات مهم خانم سخنگو است. او آغاز کلامش با این جمله است: «در ابتدا یک انسان برای اینکه بتواند درست تحلیل کند نیاز است که یک‌سری داده‌ها را از اندام‌های خود به درون مغز منتقل کند. به همین خاطر چشم داریم برای دیدن، گوش داریم برای شنیدن، بینی داریم برای بویدن، زبان داریم برای چشیدن و دست داریم برای لمس کردن و اینها منجر به تحلیل و خروجی رفتارهای ما خواهد شد.»

اما بخش دیگری از این ویدئو که شامل نکات مهم‌تری بود، مهاجرانی به مردم قول‌هایی مهم را می‌دهد و می‌گوید: «به‌عنوان سخنگوی دولت با دیدگان شما خواهیم دید و با گوش‌های شما خواهیم شنید و به جای شما هر جایی شمیم خوبی باشد، مشعوف می‌شوم و اگر بوی ناخوشایندی و هر آن چیزی که حال جامعه را بد می‌کند به مشام برسد، بدون لکت بر زبان خواهیم آورد. به شما قول می‌دهم در دفاع از منافع ملی و در دفاع از خیر جمعی و عزت ایران و استقلال کشور از هیچ چیزی فروگذار نخواهم کرد. با مردم عهد می‌بندم که ما امروز مدیون کسانی هستیم که به خاک افتادند تا اکنون ما برپا ایستاده باشیم. به همین دلیل ما مدیون گذشتگان هستیم و اگر درست رفتار نکنیم، بدهکار آیندگان خواهیم بود. به مردم قول می‌دهم که زبان گویای آنان خواهیم بود و همه تلاش‌هایی که خدمتگزاران خدمت شما در دولت انجام خواهند داد، با آنان در میان خواهیم گذاشت. به‌عنوان یک مادر به شما مردم قول می‌دهم که هر آن چه برای فرزندان خود می‌خواهم برای فرزندان شما بخواهم. به امید این هستم که با این مساعی، ایرانی آبادتر و برپاتر و سفره‌هایی رنگین‌تر، قلب‌های شادمان‌تر و جوانانی امیدوارتر به آینده داشته باشیم. ما می‌توانیم و من در این مسیر به قول دکتر پزشکیان صدای بی‌صدایان خواهیم بود و باز به گفته ایشان برای این قول، گردنم را به ضمانت خواهیم داد.»

و حالا نزدیک به ۷۵ روز است که فاطمه مهاجرانی در مقام سخنگویی، کار خود را در کابینه دولت چهاردهم آغاز کرده است. با گذشت این مدت‌زمان، شاید بد نباشد تا نگاهی به این موضوع داشته باشیم که آیا خانم سخنگو در مسیری حرکت کرده است که به عهد و قول خود با مردم وفادار باشد و مهم‌تر اینکه نقاط ضعف و قوت گفتار و رفتار او را مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

البته پیش از ورود به مصداق‌های نمره‌های مثبت و منفی به خانم سخنگو، ذکر یک نکته ضروری است و باید آن را مورد اشاره قرار داد. در این بررسی سعی شده که در برابر نقاط مثبت نگاه‌گذاری را نداشته باشیم و از آنها به سرعت عبور کنیم و در مقابل بیشتر به نقاط ضعف و ایرادها، پرداخته تا از دل این ضعف‌ها، برای بهبود روند تلاش کنیم؛ موضوعی که سفارش بزرگان است، چنانچه از پیامبر اسلام نقل است که فرمودند: «بهترین برادران شما، کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه دهد.» و یا امیرالمؤمنین که گفته است: «در حقیقت، دوست از آن رو صدیق (راستگو) نامیده شده است که درباره تو و عیب‌هایت، به تو راست می‌گوید. پس هر که چنین باشد، به او اعتماد کن، که او، دوست راستین است.»

نمره‌های مثبت

اولین نکته‌ای که به چشم یک خبرنگار و یا روزنامه‌نگار درباره شخصیت سخنگو (در هر نهاد و ارگانی) خواهد آمد و آن را مورد نظر قرار می‌دهد شاید این موضوع‌ها باشد که اولاً ارتباط آن فرد با اصحاب رسانه چگونه است؟ و ثانیاً سخنگو فن بیان شیوایی دارد و می‌تواند به راحتی منظورش را بیان کند یا خیر؟ نکته‌هایی که درباره فاطمه مهاجرانی طی تجربه‌ای که در این ۷۵ روز به‌دست آمده نشان از روند خوب خانم سخنگو دارد. در درجه اول می‌توان او را فردی با فن بیان مناسب خطاب کرد که به اصطلاح تیغ

